

به قلم؛ هاوارد و ویلیام هندریکس
ترجمه از؛ فریدون موخوف

چرا کتابمقدس را مطالعه کنیم؟

از کتاب «زندگی بر اساس دستورالعمل»

در فصل پیش به شش دلیل عمومی اشاره کردیم که چرا مردم خود در کلام خدا غوطه نمی‌خورند. بگذارید دلیل هفتم را هم به آن اضافه کنم: برای اینکه کسی به آنها هرگز نگفته که از این امر چه چیزی عایدشان خواهد شد. فواید مطالعه کتابمقدس چیست؟ در کتابمقدس برای من چه چیزی هست؟ اگر وقت خود را بدین شکل سرمایه‌گذاری کنم، چه سودی عاید خواهد شد؟ این امر در زندگی من چه تفاوتی ایجاد خواهد کرد؟

زمانی که وقت خود را روی خواندن کتابمقدس سرمایه‌گذاری می‌کنید، به نظر من سه سود عاید شما می‌گردد، سه سودی که در هیچ جای دیگر نصیب شما نخواهد شد. و صادقانه بگویم، خواندن کلام خدا امری دلبخواهی نیست، بلکه ضرورتی است که در زندگی به آن نیاز داریم. بیایید به سه متن از کتابمقدس رجوع کنیم و صحبت خود را در مورد اهمیت خواندن کتابمقدس روی این سه متن قرار دهیم. همانطور که گفتم، خواندن کلام خدا امری دلبخواهی نیست، بلکه ضرورتی است که در زندگی به آن نیاز داریم.

مطالعه کتابمقدس برای رشد ضروری است

اولین متن در ۱ پطرس ۲: ۲ یافت می‌شود:

«و همچون نوزادگان، مشتاق شیر خالصِ روحانی باشید تا به مدد آن در نجات خود نمو کنید.»

۱ پطرس ۲: ۲

جهت بیرون کشیدن حقیقتی که در این متن نهفته است، بگذارید به سه کلمه اشاره کنم. می‌توانید این سه کلمه را در حاشیه کتابمقدس خود درست در کنار این آیه بنویسید. اولین کلمه «طرز برخورد» است. پطرس در اینجا طرز برخورد یک کودک را توصیف می‌کند. درست به همان شکل

که کودک به شیشه شیر می‌چسبد، شما هم به همان شیوه باید به کتابمقدس بچسبید. کودک برای ابقای زندگی جسمانی خود لازم است شیر بخورد؛ شما هم برای ابقای زندگی روحانی خود لازم دارید از کتابمقدس تغذیه کنید.

من چهار فرزند داشتم و از همان ابتدا به خوبی یاد گرفتم که کودک در هر سه یا چهار ساعت به شیر احتیاج دارد؛ و به نفعتان هست که به این مطلب بی‌توجه نباشید. به نفعتان هست که هر چه سریعتر شیشه شیر را آماده کرده و به کودک برسانید. به محض انجام اینکار، آرامی عظیمی برقرار خواهد شد. پطرس از این تمثیل گویا استفاده می‌کند و اشعار بر آن دارد که طرز برخورد ما نیز باید چنین باشد.

ولی در عین حال در مورد «اشتهای» شما به کلام خدا نیز صحبت می‌کند. شما باید به آن «اشتیاق» داشته باشید. شما را لازم است که با تمامی وجود شیر روحانی کلام خدا را بمکید.

اگر بخواهم صادق باشم، باید بگویم که این، طرز برخورد کسی است که خود را با شیر رشد داده و از مزه آن به خوبی با خبر است. هر چند مدت یکبار فردی پیش آمده و می‌گوید: «می‌دانید استاد، من چیز زیادی از کتابمقدس دستگیرم نمی‌شود.» اما این سخن بیشتر از آنکه در مورد کتابمقدس بگوید، در مورد خود شخص حرف می‌زند.

مزمور ۱۹: ۱۰ می‌گوید که کلام خدا از عسل شیرینتر است، ولی اگر بخواهید بر اساس قضاوت برخی از مسیحیان تکیه کنید، آنچه را که داود می‌گوید، هرگز تجربه نخواهید کرد. ببینید، کتابمقدس کلاس سه نوع دانش آموز دارد: نوع اوّل آنهایی هستند که کتابمقدس برایشان «روغن کرچک» است، بسیار تلخ! ولی برای مورد بخصوصی که مصرف می‌شود، فایده دارد. گروه بعدی از آن نوع هستند که کتابمقدس برایشان «کورن فلکس» صبحانه است، باعث رشد و قوت آنهاست، ولی حیف که خشک است. انگار که آدم گاه می‌خورد.

ولی نوع سوم هم هستند که من آنها را دوستداران «توت فرنگی با خامه» می‌خوانم. هرگز از آن سیر نمی‌شوند. اینها چگونه این اشتها را در خود پدید آوردند؟ با تغذیه مرتب از کلام خدا. این اشتها را در خود توسعه داده‌اند، درست همانطور که پطرس می‌گوید، اشتهای سیری ناپذیر به جهت حقیقت روحانی. شما به کدام نوع از این گروه متعلق هستید؟

برای همه اینها هدفی هست که ما را به کلمه سوم می‌رساند؛ «هدف». هدف کتابمقدس چیست؟ متن فوق این را برای ما آشکار می‌کند: «تا به مدد آن رشد کنید.» لطفاً به یاد داشته باشید، هدف کتابمقدس این نیست که شما چیزهایی را بدانید. مطمئناً بدون دانستن نمی‌توانید رشد کنید. ولی در عین حال می‌توانید بدانید و رشد نکنید. کتابمقدس برای این نوشته نشد که کنجکاو شما را ارضا کند. برای این نوشته شد که شما را در تبدیل به شباهت مسیح یاری نماید. نه اینکه شما را

گناهکاری با معلومات نماید، بلکه شما را شبیه منجی آسمانی گرداند. نه اینکه مغز شما را با حقایق کتابمقدس پر کند، بلکه زندگی شما را تبدیل نماید.

زمانی که بچه‌های ما هنوز کوچک بودند، پشت در کمد یک نمودار رشد چسبانده بودیم. همانطور که رشد می‌کردند، دائم به ما التماس می‌نمودند که آنها را پهلوی آن نمودار بایستایم و ببینند که چقدر رشد کرده‌اند. مهم نبود که رشدشان چقدر میلیمتری است. از اینکه رشدشان را می‌دیدند، از هیجان بالا و پایین می‌پریدند. روزی وقتی دخترم را اندازه کردم، از من همان سوآلی را کرد که هیچوقت طالب آن نیستیم، مخصوصا از جانب فرزندانمان؛ «بابا، چرا بزرگها دیگه رشد نمی‌کنند؟» چطور می‌توانستم به او توضیح دهم که ما بزرگسالان از رشد باز نمی‌ایستیم، بلکه در مسیری متفاوت رشد می‌کنیم. نمی‌دانم به او چه جوابی دادم، ولی تا به امروز خداوند هنوز از من می‌پرسد: «هندریکس، آیا به سوی پیری رشد می‌کنی، یا به سوی بالا؟»

در مورد شما چطور؟ چند سال است که مسیحی هستید؟ نه ماه؟ هفت یا هشت سال؟ سی و نه سال؟ مطلب اصلی این است که چقدر رشد کرده‌اید؟ در کنار نمودار رشد خدا بایستید، و رشد خود را اندازه بگیرید. این آن چیزی است که آیه بالا تعلیم می‌دهد.

بنابراین اولین دلیل برای مطالعه کتابمقدس این است که مطالعه کتابمقدس وسیله رشد روحانی ماست. جدا از کلام خدا رشد روحانی به هیچوجه میسر نیست. کلام خدا اولین ابزار خدا در رشد و توسعه فردی شماست.

مطالعه کتابمقدس بهت بلوغ روحانی ضروری است

دومین متنی که باید به آن نگاه کنیم، عبرانیان ۵: ۱۱ - ۱۴ است:

«در این خصوص، مطالب بسیار برای گفتن داریم، اما شرح آنها دشوار است، چرا که گوشهای شما سنگین شده است. برآستی که پس از گذشت این همه وقت، خود می‌بایست معلّم باشید. و با این حال نیاز دارید کسی اصول ابتدایی کلام خدا را بار دیگر از اوّل به شما بیاموزد. شما محتاج شیرید، نه غذای سنگین! هرکه شیرخوار است، با تعالیم پارسایی چندان آشنا نیست، زیرا هنوز کودک است. اما غذای سنگین از آن بالغان است که با تمرین مداوم، خود را تربیت کرده‌اند که خوب را از بد تشخیص دهند.»

در رابطه با مطالعه کلام خدا، این متن تعلیمی است. نویسنده می‌گوید که حرف زیادی برای گفتن دارد ولی «شرح آنها دشوار است». چرا؟ آیا دشواری در رابطه با مکاشفه کلام است؟ نه، مشکل در دریافت کننده کلام است. از نظر یادگیری دریافت کننده معلول است: «گوشه‌های شما سنگین شده است.» یعنی «دیر یاد می‌گیرید.»

کلمه کلیدی در این متن «زمان» است. در کتابمقدس خود زیر آن خط بکشید. نویسنده می‌گوید که پس از گذشت این همه وقت شما باید الآن در صندلی دانشگاه می‌نشستید، ولی حیف که باید باز به مهد کودک برگردید و الفبا را از سر نو یاد بگیرید. پس از گذشت این همه سال، شما می‌بایست حقیقت را با دیگران در میان گذارید، ولی حیف که فردی دیگر باید حقیقت را با شما در میان گذارد.

در واقع، نویسنده می‌گوید، شما احتیاج به شیر دارید نه غذای سفت. غذای سفت برای افراد بالغ است. بالغین کیستند؟ آیا آنهایی هستند که به دانشکده علم الهی می‌روند؟ اینگونه افراد که دیگر باید استاد باشند؟ چه کسی به اندازه آنها آیات بلد خواهد بود؟

نه. نویسنده می‌گوید که اگر در تشخیص خوب و بد از یکدیگر خود را با استفاده دائمی کلام خدا تمرین داده‌اید، بالغ هستید. نشانه بلوغ روحانی در قدرت درک زیاد شما نیست، بلکه در این است که از این درک چقدر استفاده می‌کنید. در حیطه روحانی، نقطه مقابل جهالت، دانش و معرفت نیست، اطاعت است.

بدین ترتیب این دومین دلیل در مطالعه کتابمقدس است. کتابمقدس ابزار الهی در رشد و بلوغ روحانی است. طریق دیگری نیست.

مطالعه کتابمقدس برای ثمربخشی روحانی ضروری است

در این رابطه دلیل سوم هم وجود دارد؛ ۲ تیموتائوس ۳: ۱۶ - ۱۷.

«تمامی کتب مقدس الهام خداست و برای تعلیم و تادیب و اصلاح و تربیت در پارسایی سودمند است، تا مرد خدا به کمال برای هر کار نیکو تجهیز گردد.»

۲ تیموتائوس ۳: ۱۶ - ۱۷

«تمامی کتب» شامل ۲ تواریخ هم هست. روزی در جمعی این را گفتم، فردی از میان جمع گفت: «من حتی نمی‌دانستم که اولی‌اش هست، چه برسد به دومی.»

در مورد تثنیه چطور؟ اگر توانستید پیدایش کنید؟ آیا شده است یکبار قرائت روزانه شخصی خود را از این کتاب انتخاب کنید؟ زمانی که مسیح در بیابان مورد وسوسه قرار گرفت، شیطان را سه بار با این جمله شکست داد: «نوشته شده است» و هر سه نقل قول از کتاب تثنیه بود. اغلب به این فکر می‌کنم که اگر زندگی روحانی من بر آن چیزهایی متکی می‌شد که من از کتاب تثنیه می‌دانم، چه چیزی از آب در می‌آمدم؟

پولس می‌گوید که تمامی کلام خدا سودمند است. ولی سودمند برای چه؟ او به چهار چیز اشاره می‌کند. اول، برای دکترین و یا تعلیم. یعنی، کلام خدا تفکر شما را چارچوب خواهد داد. این امر حیاتی است، زیرا اگر به درستی فکر نمی‌کنید، به درستی هم زندگی نمی‌کنید. باورهای شما نحوه رفتار شما را تعیین خواهند کرد.

و نیز می‌گوید که کتابمقدس برای تأدیب هم سودمند است. یعنی به شما خواهد گفت که کجا هستید؛ خارج از محدوده. به شما می‌گوید که گناه چیست. به شما می‌گوید که خدا از زندگی شما چه می‌خواهد. برای زندگی شما معیار فراهم می‌کند.

سوّم، برای اصلاح سودمند است. آیا شما هم کم‌دی دارید که تمامی آن چیزهایی را که دل‌دوراندختنشان را ندارید، در آنجا بگذارید؟ همه را در آن کم‌دی می‌چپانید و بعد فراموششان می‌کنید. و روزی در کم‌دی را باز می‌کنید و یکهوایی همه فرو می‌ریزند. به خود می‌گویید: «عجب شبی! بهتر است اینها را جمع و جور کنم.» کتابمقدس هم شبیه آن است. درها را در زندگی شما می‌گشاید و به شما کمک می‌کند که آن را جمع و جور کرده و از گناه پاک کنید و به همان صورت که خدا می‌خواهد، تبدیل گردید.

چهارمین سودمندی کتابمقدس در این است که جهت تربیت در داشتن زندگی صالح سودمند است. بعد از آنکه کلام خدا شما را از آن منفی‌ها تمیز می‌کند، به شما دستورالعملهایی مثبت می‌دهد که در زندگی از آنها پیروی کنید.

هدف کلی از همه اینها چیست؟ در این است که شما برای انجام هر عمل نیکو مجهز شوید. آیا شده است بگویید: «کاشکی زندگی من برای عیسی مسیح بیشتر ثمربخش می‌بود؟» اگر واقعاً چنین است، برای آماده کردن خود چه کرده‌اید؟ مطالعه کتابمقدس اولین وسیله‌ای است که شما را به خادم مؤثر عیسی مسیح تبدیل می‌کند.

روزی از گروهی از بازرگانان پرسیدم: «اگر شما در رابطه با تجارتی که دارید، همانقدر می‌دانستید که در طول این سالیان که مسیحی هستید، در مورد مسیحیت می‌دانید، چه می‌شد؟» شنیدم یکی از آنها زیر لب گفت: «گونی بارم می‌کردند.»

درست می‌گفت. علت اینکه خدا نمی‌تواند بیشتر از این از شما استفاده کند، برای این است که آماده نیستید. شاید که در جلسات کلیسا به مدت پنج، ده، و یا بیست سال است که شرکت می‌کنید، ولی به هیچوجه لای کتابمقدس را به این مقصود باز نکرده باشید که خود را به عنوان وسیله‌ای پرثمر جهت استفاده خدا آماده سازید. شما تحت اقتدار خدا بوده‌اید ولی برای شخص خودتان در آن غوطه نخورده‌اید.

حال توپ زیر پای شماست. خدا می‌خواهد که در این قرن بیست و یکم صحبت کند. او پیام خود را به صورت یک کتاب نوشت. و از شما می‌خواهد که بیایید و این کتاب را به سه دلیل بخوانید: این کلام برای رشد شما ضروری است. این کلام برای بلوغ روحانی شما ضروری است. این کلام برای تجهیز شما ضروری است تا شما را تعلیم دهد، به طوری که شما ابزاری در دسترس، تمیز و تیز در دست او باشید تا اهداف خود را جامه عمل بپوشاند.

لذا سوآلی که اکنون با آن روبرو هستید، این است: «تا کی می‌توانید بدون مطالعه کلام ادامه دهید؟»

آیا می‌توانیم به کتابمقدس اعتماد کنیم؟

نویسنده معروف «آین رند» بعد از سخنرانی خود در دانشگاه «ییل» با سوآل خبرنگاران روبرو شد. یکی از آنها پرسید: «به سر دنیای مدرن امروز چه آمده؟»
«آین» بی آنکه معطل کند در جواب به آن خبرنگار گفت: «دنیا تا به حال بدینقدر مستأصل به دنبال یافتن جواب برای سوآلات حیاتی خود نبوده. و در هیچ زمانی به اندازه امروز هم به این نتیجه نرسیده که هیچ جواب ممکن برای آن سوآلات نیست. اگر بخواهیم آیه کتابمقدس را به شکل مدرن ترجمه کنیم، منش جدید بشر این است که «پدر، ما را ببخش، زیرا که نمی‌دانیم چه می‌کنیم؛ و خواهش می‌کنیم به ما نگو!» شنیدن این سخن از دهان فردی که تفکرات ناستیکی دارد، قابل تعمق است. بسیاری از ما از خداوند سخنی می‌خواهیم، ولی کلام او را نمی‌خواهیم. اینقدر می‌دانیم که کتابمقدسی را مالک باشیم، ولی نه آنقدر که کتابمقدس ما را مالک گردد. از کتابمقدس دائم حرف می‌زنیم ولی زندگی خود را به آنچه که می‌گویید، متعهد نمی‌کنیم. در دنیایی که تنها حقیقت مطلق این است که هیچ چیزی مطلق نیست، جای اندکی برای هرگونه کلام مقتدر خدا آنطور که در کتابمقدس مکاشفه شده است، باقی می‌ماند. سوآل این است: «آیا می‌توانیم به کتابمقدس اعتماد کنیم؟ آیا کتابمقدس اعتبار دارد؟ قابل اطمینان هست؟ آیا در زندگی فعلی شما می‌تواند نقش تعیین کننده داشته باشد؟ ببینیم کتابمقدس در مورد خود چه می‌گوید:

کتابمقدس کتابی است یکپارچه

اگر موضوع پیچیده و بحث انگیزی را عمیقا مطالعه کرده باشید، بخوبی می دانید که پیدا کردن دو یا سه نظری که با هم روی یکی و یا همه مطالب موافق باشند، چقدر استیصال آور است. چنین چیزی عملا اتفاق نمی افتد.

در مورد کتابمقدس این مطلب صدق نمی کند. کتابمقدس در این مورد بی همتاست و تمامی اجزای آن واحدی یکپارچه را تشکیل می دهند. ببینید، کتابمقدس فقط یک کتاب نیست. شصت و شش کتاب است که با هم در یکجا جمع شده اند. این شصت و شش کتاب در طول هزار و ششصد سال توسط بیش از چهل نفر که از زمینه های مختلف بودند، نوشته شده است.

با اینحال کتابمقدس، واحدی است یکپارچه، که موضوع اصلی آن خدا و رابطه او با بشر است. هر یک از آیات، پاراگرافها، فصول و کتابها با هم دست به دست هم داده اند تا حقیقت خدا را آشکار سازند. برای همین هم جهت درک درست کتابها و بخشهای آن لازم است مطالب را با توجه به موضوع کلی آن مطالعه کرد.

کتابمقدس مکاشفه خداست

کتابمقدس خود را به عنوان کلام مکاشفه شده خدا ظاهر می کند. کلمه ای که کتابمقدس جهت «مکاشفه» به کار می گیرد، در واقع «پرده برداشتن» است، درست مثل اینکه پرده را کنار زنیم تا آنچه که در پشت آن است، در مقابل دید ظاهر گردد. در کتابمقدس خدا چیزهایی را آشکار کرده است، که اگر نمی کرد، این چیزها هیچوقت برای بشر آشکار نمی شد. خدا چیزهایی را آشکار کرده است حقیقت مطلق است؛ نه فرضیات. این حقیقت است که هیچوقت عوض نمی شود، سازش نمی پذیرد و یا با دیگر قسمتهای مکاشفه شده متفاوت نمی نماید.

کتابمقدس توسط خدا الهام شده است

«بی.بی. وارفیلد» استاد معروف خدانشناسی چنین گفته است: «کتابمقدس به چنان طریقی کلام خداست که وقتی که کتابمقدس سخن می گوید، انگار خدا سخن می گوید.» این سخن تعریف خوبی از الهام است. دلیل اینکه کتابمقدس را کلام خدا می خوانیم، زیرا هر آنچه که در آن آمده است، همانهایی است که خدا می خواست با ما در میان گذارد.

البته برخی با این مطلب مشکل دارند، زیرا این کلام توسط نویسندگان بشری به قلم کشیده شده است. اگر این کلام الهام شده است، الهام آن فقط به همان شکل بوده است که هنرمندان بزرگ جهت خلق آثار هنری بزرگشان «الهام» می یابند.

ولی زمانی که کتابمقدس از الهام صحبت می‌کند، چنین معنایی را در ذهن ندارد. ۲ تیموتائوس ۳: ۱۶ - ۱۷ را بخاطر دارید؟ «همه کتب الهام خداست.» کلمه‌ای که الهام ترجمه شده است از نظر لغوی به این معنی است که گویی خدا آنها را فوت کرده است و یا نفس خداست. این واژه این ایده را در خود دارد که خدا این کلام را به بیرون نفس داده است. و از آنجا که کلمه نفس کشیدن را می‌توان «روح» هم ترجمه کرد، به راحتی می‌توانیم روح‌القدس را ببینیم که چطور امر نگاشته شدن کتابمقدس را نظارت کرده است.

پس نویسندگان انسانی در این مورد چه نقشی بازی کردند؟ خدا به شکل مافوق‌طبیعه از آنها استفاده کرد که کلمات را طوری به قلم کشند که به کاملیت، صداقت، و یا پاکی کلام تمام شده خدش‌ای وارد نیاید. در اینجا ما با دو مؤلف روبرو هستیم. درست چنانکه چارلز رابری می‌گوید: «خدا نویسندگان انسانی را نظارت کرد تا با بکار گرفتن شخصیت‌های انسانی خود مکاشفه او را به بشر بی‌هیچ اشتباهی در زبان اصلی آنها بنویسند و تنظیم کنند.»

پطرس جهت تصویر این مطلب لغت زیبایی را بکار برد، زمانی که گفت: «بلکه آدمیان تحت نفوذ روح‌القدس از جانب خدا سخن گفتند.» (۲ پطرس ۱: ۲۱) واژه‌ای که به فارسی «تحت نفوذ روح‌القدس» ترجمه شده است، همان کلمه‌ای است که برای کشتی‌ای که تحت قدرت وزش باد کشانیده می‌شود. استفاده می‌گردد. نویسندگان کتابمقدس در نوشته‌های خود به جایی کشیده می‌شدند که خدا می‌خواست و چیزی را تولید می‌کردند که خدا از آنها می‌خواست. بدون شک شخصیت، شیوه نگارش، دیدگاه و تمایزات آنها در کلماتشان منعکس می‌گردید. ولی روایت آنچه که این افراد می‌نوشتند از انسان نیست، بلکه کلام خداست.

آیا از پروژه‌ای به نام عیسی چیزی شنیده‌اید؟ برخی از محققین معلوم‌الحال در مورد اعتبار سخنان عیسی در چهار انجیل تردید دارند. برای همین هم هر سال جمع می‌شوند تا روی این متن‌ها با هم صحبت کنند. برای هر یک از سخنان عیسی بین خود رأی می‌گیرند که آیا مسیح این سخنان را عملاً گفته یا اینکه نویسندگان چهار انجیل آن را در دهان او گذاشته‌اند.

این رأی‌گیری می‌تواند به چهار طریق پیش رود. گروه فوق‌ممكن است به اتفاق آرا تصمیم بگیرد که آنچه که در آن متن بخصوص نوشته شده، عملاً از دهان عیسی بیرون آمده. و روی آن علامت قرمز می‌گذارند. اگر این گروه روی متنی علامت سیاه بگذارند، به این معنی است که به اتفاق آرا تصمیم گرفته‌اند که آن متن به هیچ‌وجه از دهان عیسی بیرون نیامده است و نویسندگان اناجیل آن را در دهان او گذارده‌اند. اگر متنی رنگ صورتی به خود داشته باشد، به این معنی است که شاید عیسی آن سخنان را گفته، گرچه هنوز مورد سؤال است. رنگ خاکستری به این معنی است که عیسی احتمالاً این سخنان را بر زبان نرانده است، گرچه این امکان هم هست که گفته باشد.

هدف این عمل چیست؟ سخنگوی این گروه می‌گوید که هدف آنها از روشن کردن خلق نسبت به متون معتبر و غیر معتبر اناجیل است تا بدین ترتیب ایمان آنها را تقویت کنند. نمی‌دانم به نظر شما چگونه می‌رسد، ولی این پروژه به نظر من اگر خطرناک نباشد، مسخره که هست. چطور ممکن است که کمیته‌ای از مشکوکین دو هزار سال بعد از آن حقایق چنین احساس کنند که صلاحیت داوری روی اعتبار کلام خدا را دارند؟ حدس می‌زنم الهام برای آنها موضوع به اتفاق آرا است. ولی من الهام روح القدس را ترجیح می‌دهم. متن کتابمقدس الهام و ادراک انسان نیست بلکه محصول مافوق‌طبیعه خود کلام خداست.

کتابمقدس مصون از خطاست

کتابمقدس برای اینکه معتبر باشد، باید درست باشد، یعنی بدون هرگونه اشتباه. چنانکه یکی هم در این باره گفته است: «یا کتابمقدس به کلی عاری از هرگونه خطاست و یا به کلی عاری از خطا نیست.» در این باره حد وسط وجود ندارد. «کتابمقدسی که قسمتی از آن عاری از خطاست، کتابمقدسی است که در واقع خطا در آن وجود دارد.

«مصون از خطا» یعنی بدون هرگونه اشتباه. یعنی اینکه در آن نسخه اصلی هیچگونه اشتباه و خطایی وجود ندارد؛ در هیچ جای آن. این مفهوم برای هضم نسل ما بسیار سنگین است. ما تمایل به این داریم که در هر چیز نسبی‌گرا باشیم، کسی که برای او هیچ حقیقتی نمی‌تواند به شکل مطلق باشد. بعلاوه، فرهنگ ما، ما را چنان بار آورده که گمان کنیم علم امروز از کتابمقدس فرسنگها جلو افتاده.

واقعیت آن است که کتابمقدس در مقابل آزمایشات علم کماکان محکم و استوار ایستاده است. به راستی که بسیاری از عالمین و دانشمندان امروز بر آن هستند که در نور اکتشافات تازه، کتابمقدس را باز مورد بررسی قرار دهند.

باور این مطلب که کتابمقدس مصون از خطاست، به این معنی نیست که ما تمامی عبارات آن را به شکل خشک لغوی به مغز خود فرو می‌کنیم. همانطور که خود نیز دیده‌ایم، کتابمقدس در بسیاری از جاها به شکل مجازی سخن می‌گوید. بعلاوه، قبول می‌کنیم که در طول زمان در انتقال و نسخه برداری امکان اشتباه وجود دارد.

با این وجود کتابمقدس بر مصون از خطا بودن خود اشعار دارد. شاهد پر قدرت این امر خود خداوند عیسی مسیح است. در متی ۴: ۱ - ۱۱ تأکید بر آن دارد که کلام خدا کلمه به کلمه قابل اعتماد است. در متی ۵: ۱۷ و ۱۸ قابل اعتماد بودن کلام خدا را حتی به حروف آن هم شامل می‌گرداند.

در سراسر اناجیل، عیسی به قسمتهایی از کلام خدا که امروزه از سوی بعضیها زیر سؤال است، مستقیماً اشاره کرد و هیچ اشاره‌ای نیست که در مورد صحت، اعتبار، و درستی آنها شک کنیم. (فقط در خود متی می‌توان به ۸: ۴، ۱۰: ۱۵، ۱۲: ۱۷ و ۴۰، ۱۹: ۳-۵، و ۲۴: ۳۸-۳۹ مراجعه کرد.)

مصون از خطا بودن یعنی اینکه ما کتابمقدسی کاملاً مصون از خطا داریم، کاملاً معتبر و بدون هیچ اشتباه در نسخه اصلی. همانطور که آن را مطالعه می‌کنیم، می‌توانیم انتظار داشته باشیم که به سوالات اساسی خود جواب بیاوریم.